

سیر تطور دهنامه و سی نامه سرایی در شعر فارسی با تکیه بر تحلیل ساختاری و محتوایی

دکتر علی اصغر باباصفری*
بتول حیدری**

چکیده

دهنامه‌ها و سی‌نامه‌ها یک نوع ادبی و زیرمجموعه‌ای از منظومه‌های داستانی عاشقانه است که شاعر در آن، طی ده یا سی‌نامه عاشقانه با ساختاری ویژه، گفتگویی میان عاشق و معشوق را به رشته‌ی شعر می‌کشد. می‌توان شروع تقریبی دهنامه و سی‌نامه‌سرایی را از قرن پنجم و دوره اصلی رواج آن را قرن هشتم دانست. از آنجا که تاکنون پژوهش‌های جامعی در این باره صورت نگرفته، در این مقاله به تحلیل محتوا و ساختار این گونه‌ی ادبی پرداخته شده و ۳۰ دهنامه و سی‌نامه به ترتیب تاریخی معرفی شده است.

واژگان کلیدی: شعر، نامه‌های عاشقانه، دهنامه، سی‌نامه، ساختار، محتوا.

مقدمه

استفاده از قالب نامه برای بیان اندیشه‌ها مقوله‌ی تازه‌ای نیست و فن نامه‌نگاری در ادبیات فارسی پیشینه‌ای طولانی دارد. برای مثال از دوران ساسانی نامه‌هایی اداری به دست آمده که قدیمی‌ترین نمونه‌های نامه‌نگاری است. نامه‌های دیوانی قرن هفتم میلادی، مجموعه‌نامه‌هایی به زبان سغدی (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۵۸ و ۱۰۷، ۸۸) و نامه‌های سیاسی در ادبیات پهلوی چون نامه‌های انوشیروان و مکاتبات بهرام گور و بزرگان ایران نیز حائز اهمیت است. رساله‌ای نیز به نام آیین نامه‌نویسی از دوره‌ی ساسانی در دست است که هدف آن فراهم آوردن الگوهایی برای نویسندگی دبیران بوده است. (آسانا، ۱۳۷۱: ۱۷۲-۱۶۶) منشآت و مکتوبات نیز نمونه‌هایی از اهمیت این فن است.

* Email: babasafary@ltr.ui.ac.ir

** Email: b.heidari64@ltr.ui.ac.ir

نامه نگاری و گفتگو با معشوق نیز در ادبیات غنایی سابقه دارد چنانکه به عنوان سنتی ادبی در اکثر منظومه های عاشقانه (ویس و رامین، سحر حلال و فرهاد و شیرین وحشی و...) و در دیگر انواع شعر به صورت محاوره عاشقانه و پیغام‌های شفاهی (منوچهری) به چشم می‌خورد. مجموعه های مستقلی به نظم و نثر نیز به نام‌هایی در ناز و نیاز عاشق و معشوق اختصاص یافته است مثل ناز و نیاز مجنون رفیقی شاعر قرن ۹ و ۱۰ (منزوی، ۱۳۶۵: ۳۸/۵ و خزانه دارلو، ۱۳۷۵: ۵۱۲)، مراسم الوداد که احتمالاً در عصر صفوی یا پس از آن نگاشته شده است. (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۲۹۲۲/۱۲) و ناز و نیاز از آگه بن یمین شبرغانی. (متوفی ۱۰۰۵)

در بعضی کتاب‌ها نیز به عشق و مسائل آن به عنوان یک موضوع علمی پرداخته شده است و از مسائلی چون نامه نگاری عاشق و معشوق و آمیختن مرکب نامه با اشک یا خون و... صحبت می‌شود مانند روضه المحبین ابن قیم جوزی و طوق الحمامه ابن حزم آندلسی در ادبیات عرب. قسمتی از کتاب‌هایی هم که برای آموزش عملی فن نامه نگاری تألیف شده، به آموزش نامه‌های عاشقانه اختصاص یافته است. مانند انشای فارسی عبدالله بن محمد قرن ۱۳، مراسلات حافظ نورالله نوشاهی قرن ۱۳، ریاض العشق که نامه‌هایی است به عاشق و معشوق و شوهر و... انشای گلزار عجم از مقبول احمد گوپاموی، دلپسند از محمد اکمل ملتانی (منزوی، ۱۳۶۵: ۴۹۹/۵ و ۴۱۷، ۳۹۷، ۳۸۲-۳۸۱، ۳۱۹) گلدسته اندیشه از وقاری یزدی و دستور نامه نگاری (منزوی، ۱۳۴۸: ۲۱۱۵/۳ و ۲۱۰۵) یکی از آثار جالب در این زمینه، «پرورده خیال» محمود میرزا قاجار است که آن را در دستور نگارش نامه های عاشقانه در سال ۱۲۴۱ به خواهش یکی از بانوان دربار ساخته است. عناوین این کتاب، حاوی اکثر مضامین منظومه های عاشقانه از قبیل دهنامه هاست و نشان می‌دهد چگونه به این مسأله به شکل یک فن نگاه می‌کرده‌اند. (دانش پژوه، ۱۳۴۰: ۳۶۴۶/۱۴-۳۶۴۴)

بدین ترتیب شاعران با درهم آمیختن این دو موضوع یعنی نامه نگاری و گفتگوی با معشوق، با اصول و ضوابطی خاص، نوع ادبی دهنامه را به وجود آوردند که انحصار در دو ویژگی تعداد معین و اشتغال بر گفتگوی عاشقانه آن را متمایز می‌کند. (خان محمدی، ۱۳۷۸: ۱۷) غالباً در کتاب‌هایی که راجع به انواع ادبی صحبت کرده‌اند، نامی از دهنامه هاوسی نامه‌ها نیست (به استثنای واژه نامه هنر شاعری میمنت میرصادقی)؛ اما حق آن است که دهنامه هاوسی نامه‌ها را یک نوع ادبی مستقل یا زیر مجموعه ای از منظومه های داستانی عاشقانه محسوب کرد که از لحاظ محتوا، هدف آن بیان

احساسات عاشقانه و احوال و مراتب عشق (عشق حقیقی و عرفانی یا مجازی) و رابطه‌ی متقابل عاشق و معشوق در گفتگویی عاشقانه، طی تبادل ده باسی نامه با ساختاری ویژه، در قالب مثنوی داستانی است. به تبعیت از ساختار و محتوای دهنامه‌ها، نوعی از دهنامه‌ها یعنی سی نامه‌ها به وجود می‌آید که تعداد آن‌ها کمتر از دهنامه‌هاست. (در نوشتار حاضر، برای پرهیز از تکرار، منظور از دهنامه، سی نامه نیز خواهد بود)

پیشینه‌ی تحقیق: تاکنون، پژوهشی که به تفصیل و به صورت جامع به بررسی ساختار دهنامه‌ها و معرفی آن‌ها پرداخته باشد، ارائه نشده است اما برخی از پژوهشگران، به طور پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند و چند مقاله نیز در این زمینه نوشته شده است که غالباً جنبه‌ی توصیفی دارد. از جمله‌ی این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش ذبیح الله صفا (در تاریخ ادبیات در ایران)، ابراهیم برهان آزاد (محبت نامه‌ها یا دهنامه‌ها)، رشید عیوضی (دهنامه‌گویی در ادب پارسی)، محمد عباسیه کهن (دهنامه سرایی در ادب پارسی) و مهری باقری (دهنامه نویسی در ادبیات فارسی) اشاره کرد.

منشأ دهنامه‌ها، تأثیر و تأثرها: از «دهنامه» نخستین بار در ویس و رامین فخرالدین اسعدگرگانی (وفات بعد از ۴۴۶) یاد می‌شود و محققان معتقدند که روش فخرالدین در سرودن این دهنامه، منشأ دهنامه سرایی در ادبیات فارسی شده است. (عیوضی، ۱۳۵۵: ۵۲۷) پس از عروسی رامین با گل، ویس از مشکین دبیر می‌خواهد برای رامین شرح درد دوری را در ده نامه بنویسد:

کنون ده در بخوادم گفت نامه به گفتاری که خون باردار ز خامه

(گرگانی، ۱۳۳۷: ۲۶۳)

هر کدام از نامه‌ها مستقل است و بیتی آن‌ها را به هم ربط نمی‌دهد بلکه عناوین، آن‌ها را از هم جدا می‌کند. پیشینه‌ی این داستان به دوران اشکانی می‌رسد. لذا چون روش فخرالدین در نظم داستان، رعایت اصل داستان و حفظ معانی است و گمان نمی‌رود حادثه‌ای را از اصل داستان حذف کرده باشد (همان: ۲۱ و صفا، ۱۳۵۲: ۳۷۵/۲) و ده نامه از افزوده‌های وی باشد، می‌توان سابقه‌ی دهنامه سرایی را به دوران اشکانی رساند. هر چند دلایل قطعی برای اثبات این امر وجود ندارد و تنها می‌توان به وجود نامه‌هایی در ایران پیش از اسلام استناد کرد. ذبیح الله صفا نیز خاطر نشان می‌کند که بعضی از سنت‌های منظومه‌های عاشقانه ظاهراً از دوره‌های نخستین ادب فارسی به دوران اسلامی انتقال یافته است. (همان: ۱/۳، ۳۳۰) پس از ویس و رامین باید به تأثیر نظامی بر مثنوی سرایی عاشقانه از جمله

دهنامه‌ها توجه کرد. صرف نظر از اثرپذیری شاعران دهنامه‌سرا از شیوه‌ی ردوبدل شدن پاسخ‌ها و محتوای گفتگوها در خسرو و شیرین نظامی، طرح صحنه‌ای از خسرو و شیرین که در آن شیرین از زبان نکیسا و خسرو از زبان باربد، پیغام‌رسانی می‌کنند و نیز گفتگوهای آن‌ها در قصر شیرین، به طرح اولیه‌ی دهنامه‌ها که گفتگوی میان عاشق و معشوق است شباهت تام دارد و به نظر می‌رسد نظامی - با توجه به اثرپذیری‌اش از ویس و رامین - دهنامه‌ی آن را به صورت گفتگوهایی میان خسرو و شیرین اما با آمیختن آن با موسیقی و واسطه‌گری نکیسا و باربد به جای مشکین دبیر در آورده است. البته ده‌نامه‌ویس و رامین و گفتگوهای خسرو و شیرین در ضمن منظومه‌ی اصلی آمده است در حالی که دهنامه‌ها به عنوان یک گونه‌ی ادبی خاص، یا منظومه‌هایی مستقلند یا ساختاری خاص دارند. دهنامه‌ها از لحاظ ساختاری به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند که مبنای این تقسیم، منطق العشاق اوحدی است. اوحدی خود تصریح می‌کند قبل از وی یعنی در فاصله‌ی سروده شدن ویس و رامین و منطق العشاق، منظومه‌هایی در این باب وجود داشته که شیوه‌ی آن‌ها مقبول طبع وی و ممدوحش نبوده است و برای همین وی طرحی نو درمی‌افکند. (اوحدی، ۱۳۴۰: ۴۱۱) نام و نشان تعداد اندکی از این «دهنامه‌های کهنه» به دست ما رسیده است. پس از ویس و رامین، اولین این نوع ادبی، سی‌نامه‌عزیزی حسینی از قرن شش است. پس از آن صحبت‌نامه‌همام، دهنامه‌های امیرخسرو و سی‌نامه‌حسینی هروی بر دهنامه اوحدی مقدمند. به نظر می‌رسد پیش از اوحدی، در ده‌نامه‌سرایی عناصر خاصی به کار نمی‌رفته است چنانکه گاه به جای نام‌های مکتوب و دو طرفه، عاشق معشوق را در خیال یا بدون دریافت پاسخ مورد خطاب قرار می‌دهد و گاه با غزل‌هایی که تعداد مشخص و معینی ندارد، کلامش را می‌آراید اما اوحدی در دهنامه‌سرایی باب جدیدی باز می‌کند که پس از او الگوی دهنامه‌سرایی قرار می‌گیرد. یعنی پس از او مراد از «نامه»، تعداد معین ده‌نامه‌مکتوب است که هر یک مذیل به غزلی است و چند عنصر فرعی مثل فرد و خاتمه‌ی سخن نیز به دنبال آن می‌آید و معمولاً به دست واسطه‌هایی رد و بدل می‌شود. البته نوع اول دهنامه‌سرایی نیز با تغییراتی جزئی، پس از اوحدی همچنان ادامه یافته است مانند محبت‌نامه‌خوارزمی، فراق‌نامه‌سلمان و عشاق‌نامه‌عبید.

صفا معتقد است که روش عراقی در ساختن عشاق‌نامه، منشأ ایجاد دهنامه‌ها شده است. (صفا، ۱۳۵۲: ۱/۳، ۵۷۷-۵۷۶) و اگر چه اثر وی دهنامه به معنی واقعی (نامه‌های متبادل میان عاشق

و معشوق) نیست اما ساختار خاص آن یعنی گنجاندن غزل و حکایت در مثنوی و پرداختن آن به عشق، بر رشد و تکامل دهنامه های بعدی اثر گذاشته است. عراقی این اثر را بین سال های ۶۸۱- ۶۸۳ سروده و در ده فصل، به بیان مراتب عشق حقیقی و حالات عاشقان پرداخته است. این اثر را دهنامه، عشق نامه (منزوی، ۱۳۴۸: ۳۰۰۳/۴) و کاشف الاسرار سبحانی (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۴۹) نیز نامیده اند. عراقی گاه ساقی نامه و مغنی نامه هایی نیز در مطاوی مثنوی خود آورده است. بعضی ده نامه ها مانند سی نامه حسینی هر وی نیز شاید به تقلید از وی، در دهنامه خود یک یا چند بیت ساقی نامه درج کرده اند. با اینکه پیش از عراقی منظومه هایی با عنوان «محتوای عشقنامه وجود داشته (مانند عشق نامه منسوب به سنایی و عشق نامه حسن دهلوی) اما اثر وی با داشتن دو ویژگی حکایت و غزل، برتری خود را حفظ کرده است. صحبت نامه همام تبریزی را نیز که تقریباً همزمان با عشاق نامه سروده شده است، از منظومه هایی می دانند که او حدی آن ها را در مد نظر داشته است. (عیوضی، ۱۳۵۵: ۴۲۸) در این منظومه نیز شاعر با خیال یار گفتگوهای عاشقانه ای دارد و غزل نیز در ضمن مثنوی درج کرده است.

دوره و محدوده ی رواج دهنامه سرایی: بر اساس دهنامه های موجود و دهنامه هایی که فقط نامی از آن ها به جا مانده است، شروع دهنامه سرایی به صورت نوع ادبی خاص، از قرن پنج با ویس و رامین و به تعبیری دیگر از قرن شش با سراینده ای به نام عزیزی حسینی است که یک مثنوی سی نامه سروده است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۷۲۵/۲) که محتمل است جزو سی نامه های مصطلح باشد. بر این اساس می توان حدس زد سی نامه سرایی نیز با فاصله ی اندکی از دهنامه سرایی آغاز شده و هر دو نوع، در فاصله ی سروده شدن ویس و رامین و سی نامه عزیزی مجال بروز و ظهور داشته است. هر چند اکنون نشانه هایی از این دسته آثار نیست. منطق العشاق اوحدی به عنوان آغازگر نوع جدیدی از دهنامه ها در سال ۷۰۶ سروده شده است. بدین ترتیب دهنامه سرایی که از قرن ۵ آغاز شد، در چهار قرن بعد یعنی قرون ۷ تا ۱۰ نیز ادامه یافت و آخرین نمونه ی موجود آن از قرن ۱۳ (مکاتبات منظوم اعتضاد السلطنه) است. اما دوران اوج و رونق سرودن این نوع غنایی، در قرن ۸ است یعنی دوران ایلخانان مغول و حکومت های ملوک الطوائفی و هرج و مرج های آن روزگار که باعث می شد شاعران برای بیان مکنونات قلبی خود و گریز از واقعیات تلخ عینی، در جستجوی راه های تازه مثل ایجاد دهنامه ها باشند. (خان محمدی، ۱۳۷۸: ۱۷) رواج دهنامه ها در

این قرن به حدی است که حتی شاه شجاع برای طرح مسائل سیاسی بین خود و برادرش از آن بهره می‌برد. شاعران قرن ۹ و ۱۰ نیز به تقلید از داستان سرایان بزرگ قبل از خود می‌پرداختند و دهنامه نیز از انواعی بود که مورد تقلید واقع می‌شد. در هر صورت، طبع آزمایی در این نوع ادبی، سنتی رایج شد تا جایی که عماد فقیه در ابتکاری، ده‌نامه از مکاتبات خود را با معاصرانش تحت عنوان دهنامه ای مستقل عرضه می‌کند. دهنامه های موجود بیشتر مربوط به حوزه شیراز و هرات و سبزووار و سلسله آل مظفر (خصوصاً شاه شجاع) و تیموریان است و گویا شعرای فارس بیشتر به این زمینه پرداخته‌اند. نمونه ای نیز از این دهنامه‌ها توسط تذروی ابهری در قرن ۱۰ در هند سروده شده که نشان می‌دهد دهنامه سرایی تا آن منطقه هم رفته و شاید نمونه های دیگری در آنجا داشته باشد به خصوص که «در دو قرن ۹ و ۱۰، ادبیات فارسی در هند با حمایت‌های شاهان و خاندان‌های متعدد هند در حال توسعه و انتشار بود.» (صفا، ۱۳۵۲: ۴/۱۴۳) دو دهنامه نیز در خاک عثمانی و محدوده آسیای مرکزی سروده شده است. (دهننامه لامعی و محبت نامه خوارزمی) دهنامه شاه اسماعیل و محبت نامه خوارزمی نیز نمونه‌هایی از ملمعات ترکی و فارسی در قالب دهنامه را به دست می‌دهند که حاکی از شیوع ادب ترکی با تکیه بر توانایی‌های زبان فارسی و نیز توجه به دهنامه سرایی در حوزه ی زبان ترکی است.

محتوای دهنامه ها: محتوای دهنامه‌ها شرح اکثر مسائلی است که بین عاشق و معشوق در جریان است مثل ستایش از معشوق و وصف وی، گله از فراق، امید وصل و... عشق مطرح شده گاه زمینی و مادی است (مانند عشاق نامه عبید) و گاه آسمانی و عرفانی که عاشق در آن، در پی یگانگی با محبوب است (مانند سی‌نامه حسینی هروی)؛ گاه نیز عشقی است مجازی که به شاهرآه حقیقت می‌پیوندد و در هر حال نمی‌توان مرز مشخصی بین آن‌ها تعیین کرد و اغلب به هم آمیخته است. در دهنامه‌ها توصیف حالات روحی و روانی عاشق و معشوق عمدتاً ساده و پیچیدگی داستان عشق کم است و عاشق و معشوق در تمام منظومه‌ها، ویژگی‌های سنتی یکسانی دارند: معمولاً معشوق ابتدا در برابر نیاز عاشق استغنا نشان می‌دهد و پس از آن که وی را در استواری عشق آزمود، سر به وصال فرود می‌آورد به استثنای چند منظومه مانند عشاق نامه عبید که نهایت عشق، وصال نیست. هویت عاشق و معشوق نیز در دهنامه‌ها معمولاً مشخص نیست و اکثر آن‌ها منظومه‌هایی ذهنی و انتزاعی است که شاعر در آن‌ها با معشوقی فرضی مخاطبه می‌کند.

تعداد کمی از دهنامه‌ها در حسب حال شاعر سروده شده است و از آن‌ها می‌توان به نکاتی درباره زندگی و حوادث ایام عمر شاعر پی برد مانند دهنامه رکن صاین که شرح عشقی مذکر به مذکر و داستان عشق واقعی شاعر است یا دهنامه شاه شجاع که در آن مسائل سیاسی-تاریخی عصر مطرح شده یا دهنامه عماد که برای شناخت معاصران و محیط زندگی شاعر سودمند است. منظومه‌های عاشقانه پس از نظامی، عموماً تحت تأثیر آثار اوست و به ندرت ابتکاری در آن‌ها دیده می‌شود. دهنامه‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیست و حتی به خاطر ساختار یکسان و حوادث کم، ممکن است ملال آور شوند مگر اینکه شاعر بتواند از لحاظ محتوا خواننده را تا پایان منظومه با خود همراه سازد یا با چاشنی عرفان، رنگ و بوی دیگری به منظومه دهد یا با آوردن حکایت‌های دلنشین ایجاد تنوع کند یا به ساقی نامه و وصف و دیگر گونه‌های غنایی گریز بزند. در هر حال، دهنامه‌ها را باید از آثار ادبی متوسط در ادبیات فارسی به شمار آورد. یکی از دلایل عدم توجه به دهنامه سرایی در دوره‌های بعد، همین مسأله‌ی یکنواختی و پویا نبودن حوادث در آن است که مجال سخن را تنگ و خواننده را ملول می‌کند.

تقسیم بندی دهنامه‌ها: دهنامه‌ها از لحاظ ساختاری به دو دسته دهنامه‌های قبل از منطق العشاق و دهنامه‌های پس از آن تقسیم می‌شوند. از لحاظ استقلال قالب نیز می‌توان دهنامه‌ها را به دو دسته دهنامه‌های مستقل و دهنامه‌های غیرمستقل تقسیم کرد. دهنامه‌های غیرمستقل در ضمن یک منظومه‌ی داستانی عاشقانه و به عنوان بخشی از آن می‌آید. این منظومه‌ها با وصف عاشق و معشوق و شرح چگونگی عشق و حوادث دیگری آغاز می‌شود و در قسمتی از آن و به عنوان بخشی از منظومه، دهنامه مطرح می‌شود. در واقع در این دهنامه‌ها، ده نامه یا تنه‌ی اصلی را تشکیل می‌دهد مثل سعد و همایون یا بخشی از آن را مثل ویس و رامین، بهرام و گل اندام و محب و محبوب اختیار، و منظومه نیز عموماً نام دهنامه بر خود ندارد. تعداد این دهنامه‌ها کمتر از دهنامه‌های مستقل است و با بررسی تمام منظومه‌های عاشقانه ممکن است موارد دیگری نیز یافت شود. در دهنامه‌های مستقل، ده نامه تمام اثر را تشکیل می‌دهد و موضوع منظومه، صرفاً رد و بدل شدن نامه‌هاست. منظومه تقریباً بدون مقدماتی در معرفی عاشق و معشوق و چگونگی داستان عشق آغاز می‌شود و هویت عاشق و معشوق مبهم است. این منظومه‌ها بیشتر انتزاعی و ذهنی است و ساختار داستانی آن‌ها چندان قوی نیست. در هر دو دسته دهنامه، ساختار تقریباً یکسانی رعایت شده

است. دهنامه‌ها از لحاظ وجود نامه و مخاطب نیز دو دسته‌اند: دهنامه‌های یک سویه که نامه‌ها از زبان عاشق سروده می‌شود مثل دهنامه‌رکن صاین یا سی‌نامه‌حسینی؛ و دهنامه‌های دوسویه که ۵ نامه از زبان عاشق و ۵ نامه از زبان معشوق می‌آید و متداول‌ترین نوع دهنامه است مثل دهنامه اوحدی، شاه‌اسماعیل و شاه شجاع. دهنامه عماد فقیه را باید استثنا دانست چون مخاطبان آن مختلفند و شاعر خود، منظومه‌را دهنامه نامیده است.

ساختار دهنامه‌ها

۱- **تعداد نامه‌ها:** در این آثار قاعداً باید ۱۰ یا ۳۰ نامه وجود داشته باشد که هر دو از اعداد زوج و مضربی از ۲ هستند و دو طرفه بودن نامه‌ها و تناسب و توازن تعداد و رابطه عاشق و معشوق را به صورت برابر نشان می‌دهند. (حتی در دیگر منظومه‌های عاشقانه که تعداد نامه‌ها به ۱۰ نمی‌رسد، زوجیت نامه‌ها رعایت شده است مثلاً در بدیع‌الزمان نامه و حسن و دل فتاحی، ۲ نامه و در مهر و مشتری عصار، ۴ نامه آمده است) استثنای این مسأله محبت نامه خوارزمی است که شاعر ابتدا در نظر داشته در کتاب خود ۱۰ نامه بیاورد اما بعد نامه ۱۱ را نیز افزوده است و نیز فراق نامه سلمان که گرچه به گفته شاعر دهنامه است اما بیش از ۴ نامه ندارد. در نسخه مکاتبات منظوم اعتضادالسلطنه نیز بیش از ۷ نامه نیامده است.

۲- **قالب:** قالب عمومی دهنامه‌ها مثنوی است. (بجز دهنامه عماد که بعضی نامه‌های آن در قالب قصیده است) حتی در آثاری که به نظم و نثر سروده شده است معمولاً نامه‌ها در قالب مثنوی می‌آید مثل داستان مهر و ماه (منزوی، ۱۳۴۸: ۳۷۱۱/۵) زیرا مثنوی با تنوع در قافیه، مناسب‌ترین قالب برای سرودن منظومه‌های داستانی است.

۳- **وزن:** ۱۷ دهنامه در بحر هزج (عمدتاً هزج مسدس مقصور یا محذوف) و ۲ دهنامه (دهنامه برسه و زاهدی) در بحر خفیف و ۲ دهنامه (فراق نامه سلمان و محب و محبوب اختیار) در بحر متقارب و منظومه عماد فقیه نیز در بحر مختلف (هزج و رمل و...) سروده شده است و از وزن سایر منظومه‌ها اطلاعی در دست نیست.

۴- **عناصر تشکیل دهنده:** ساختار کلی دهنامه‌ها یکسان است و تفاوت‌های اندکی در آن‌ها وجود دارد که بیشتر مربوط به جابجایی اجزا یا وارد کردن یک ساختار جدید است. بجز دهنامه عماد فقیه و شاه شجاع و زاهدی که مقدمه‌ای منثور دارد، دهنامه‌ها مانند دیگر منظومه‌ها معمولاً

با توحید و نعت پیامبر و اصحاب ایشان، مدح ممدوح، سخنی چند در حسب حال و سبب نظم کتاب آغاز می‌شود. شاه اسماعیل، منقبت حضرت علی و دیگر امامان شیعه را نیز افزوده است. سبب نظم معمولاً خواست ممدوح است و در مواردی بیان احوال روحی شاعر یا یکی از یارانش یا توصیه‌ی دوستی. دهنامه عماد فقیه نیز به پیروی از سنت ادبی زمانه و با هدف سروسامان بخشیدن به مکاتبات وی تألیف شده است. از همه جالب‌تر دهنامه شاه شجاع است که به دلیل مسائل سیاسی و دفع ملال و اشتغال خاطر در ببحوحه درگیری وی با برادرش سروده شده است. در دهنامه غیرمستقلی مثل سعد و همایون پس از این مقدمات، به معرفی عاشق و معشوق و شرح‌آشنایی آن‌ها و وصف شهر شیراز پرداخته می‌شود. شاه اسماعیل قصیده‌ای در وصف بهار می‌آورد. چنان‌که سلمان در فراق نامه، وصف عیش و نوش دلدار و ملک‌رادر چهار فصل سال می‌آورد. در بهرام و گل اندام و محب و محبوب اختیار نیز حوادثی پشت سر گذاشته می‌شود تا نامه‌ها مطرح شود. در اکثر دهنامه‌ها در ساختار هر نامه، عناصری به کار می‌رود که به طور کامل ابتداء در دهنامه اوحدی آمده است: نامه + غزل + مثنوی یا فرد + حکایت + تمامی سخن + خلاصه‌ی سخن. اما عناصر فرعی دیگری هم هست مثل «آگاه شدن عاشق و معشوق از نامه و احوال یکدیگر و واکنش آن‌ها» (مثلاً نگوهرش کردن معشوق بیک را و عذرخواهی عاشق از وی در دهنامه شاه اسماعیل) یا «بیان واقع» (در دهنامه حریری) یک استثنا، دهنامه‌ی شاه اسماعیل است که اگر چه اکثر عناصر دهنامه را دارد اما از آن‌ها با نظم یکسانی استفاده نشده است. محب و محبوب اختیار نیز دو عنصر بیت فرد و حکایت را حذف کرده است. مثنوی یا فرد، یک یا چند بیت مقفاست که پس از غزل می‌آید و حلقه و اصل غزل با تمامی سخن یا حکایت است. از لحاظ محتوایی، مثنوی ادامه‌ی ابیات قبل است و شاعر به وسیله‌ی آن می‌تواند دوباره به قالب اصلی منظومه که مثنوی است برگردد و نشان دهد که غزل تمام شده است. به همین دلیل به آن «فرد خاتمه» نیز می‌گویند. (در منظومه‌های دیگر جز دهنامه‌ها مانند جمشید و خورشید سلمان ساوجی نیز گاه بیت فرد می‌آید که رابط غزل و مثنوی است)

حکایت‌ها متناسب با محتوای قبل و برای تأیید آن می‌آید و گاه شاعر نتیجه‌گیری خود را در قالب یک حکایت بازگو می‌کند. عموماً حکایت‌ها یا پس از سخن عاشق می‌آید و به نوعی ادامه‌ی سخن اوست یا پس از «آگاه شدن عاشق و معشوق از نامه‌ی همدیگر». وجود این حکایت‌ها که اغلب کوتاه و ساده است، باعث ایجاد لطف و تنوع در ساختار دهنامه‌ها می‌شود. «خلاصه

سخن» (یا مصدوقه، مصدوقه حال، باقی سخن یا حقیقت سخن) که گاه کارکرد و جای آن با «تمامی سخن یا تتمه سخن» عوض می‌شود، حلقه‌ی واصل دو نامه است و نوعی واکنش مخاطب به نامه که پس از آن، پاسخ نامه می‌آید. در دهنامه اوحدی تفاوت معنایی کوچکی میان تمامی سخن و خلاصه سخن وجود دارد و آن اینکه، خلاصه‌ی سخن از زبان یک راوی سوم شخص (شاعر یا عاشق و معشوق) است که با توجه به محتوای قبل به نتیجه‌گیری می‌پردازد اما تمامی سخن، رابط نامه‌ها و آخرین نظر فرستنده‌ی نامه است. دهنامه‌ها معمولاً با «خاتمت کتاب» که حاوی عنوان و تاریخ اتمام منظومه است، پایان می‌پذیرد. به این نکته باید توجه داشت که در بعضی از منظومه‌های عاشقانه که دهنامه نیستند، نامه یا نامه‌هایی هست که ساختار یک نامه از دهنامه‌ها را دارد چنانکه در مثنوی جمال و جلال پس از نامه، حکایت و غزل و پس از آن، عنوان «فرد»، «خاتمه» یا «تمامی داستان» آمده است.

آوردن غزل در مثنوی: این کار به صورت یک سنت ادبی در اکثر منظومه‌های عاشقانه رواج داشته است و فقط خاص دهنامه‌ها نیست. منظور از غزل در ساختار خاص دهنامه‌ها، قالب غزل است نه محتوای تغزلی. در ادبیات فارسی، ظاهراً برای اولین بار عیوقی در ورقه و گلشاه، غزل‌هایی با وزن اصلی منظومه یعنی بحر متقارب آورد. «دلیل این کار این است که در اصل داستان ورقه و گلشاه یعنی در قصه عروه و عفرا، بیان مطلب با ذکر ابیات عاشقانه و غزل‌های حزن‌آوری از عروه همراه بوده و ناقل داستان به شعر فارسی هر جا که به این ابیات و اشعار عاشقانه رسیده، یک غزل در میان مثنوی گنجانیده است.» (عیوقی، ۱۳۴۳: نه) پس از آن، عراقی در عشاق نامه ۱۹ غزل با وزن اصلی مثنوی وارد می‌کند. امیر خسرو در قران السعدین و نه سپهر و در دهنامه هایش، این روش را ادامه می‌دهد اما برای اولین بار، هم قصیده به مثنوی راه می‌یابد و هم قصیده و غزل در غیر وزن اصلی مثنوی می‌آید و هم شاعر، صراحتاً ذکر غزل را در میان مثنوی گوشزد می‌کند. (رستگار، ۱۳۷۲: ۴۳۵-۴۳۴) پس از امیر خسرو، اولین دهنامه موجود که غزل را وارد ساختار خاص دهنامه می‌کند، منطق العشاق اوحدی است. عبیدر عشاق نامه ابتکاری افزون می‌کند و علاوه بر غزلیات خود، از غزلیات دیگران چون همام نیز استفاده می‌کند و آن‌ها را به صورت تضمین در مثنوی می‌آورد. البته وزن این غزل‌ها حتی غزل‌های تضمینی مطابق وزن اصلی منظومه است. عماد فقیه نیز در وارد کردن غزل در قصیده و تمایز بخشیدن به آن‌ها

با وجود ساختار یکسان مبتکر است. در باب فایده ی گنجاندن غزل (و قالب‌های دیگر) باید گفت گذشته از اینکه این غزل‌ها حالتی حسب حال گونه دارد، زمانی که شاعر بخواهد سوز درونی و هیجان خود یا عاشق و معشوق را عمیق‌تر بیان کند، با گنجاندن غزل و ایجاد تنوع و ابتکار، از ملال خواننده می‌کاهد. چون این تنوع طلبی در قالب و قافیه شعر، باعث تنوع در وزن یکسان و یکنواخت مثنوی می‌شود. علاوه بر این، چون اکثر شاعران در غزل سرایی قوت بیشتری دارند، با آوردن غزل به راحتی از مفهومی به مفهوم دیگر منتقل می‌شوند و می‌توانند قدرت طبع خود را به نمایش درآورند. البته باید میان آخرین بیت مثنوی با مطلع غزل و میان مقطع غزل با دنباله ی مثنوی، پیوندی محکم وجود داشته باشد. این پیوند هم از لحاظ محتوایی است و هم از لحاظ ساختاری و هرچه شاعر در این پیوند مهارت بیشتری داشته باشد، غزل در میانه ی مثنوی بهتر جا می‌گیرد. «اگر غزل‌های دهنامه با بیت بعدی مثنوی با هم جمع آوری و نوشته شود، ترکیب بند محکمی شکل خواهد گرفت.» (عباسیه کهن، ۱۳۷۲: ۷۷) در دهنامه ها آوردن غزل‌ها چندان هنرمندانه نیست و اکثراً پیوند آن‌ها با مثنوی از لحاظ مضمونی است و اگر حذف شوند، لطمه ای به منظومه وارد نمی‌شود. تنها در برخی منظومه‌ها چون دهنامه اوحدی، غزل، هنرمندانه و با رعایت صنعت موقوف‌المعانی درج شده است. از این غزل‌ها گاه با عنوان «بیت» یاد می‌شود گاه با عنوان «غزل» و گاه هیچ اشاره‌ای به آوردن آن نمی‌شود. در نسخه ورقه و گلشاه، از غزل به شعر تعبیر شده و شعر گفتن یعنی غزل گویی. بجز کاربرد غزل به عنوان قالبی خاص، در منظومه های عاشقانه، غزل خوانی معاشیق هم مرسوم بوده است یعنی محتوای تغزلی مانند واله و سلطان فقیر دهلوی، دولرانی و خضرخان امیر خسرو و جمال و جلال نزل آباد که در آن عناوینی با نام غزل خواندن قهرمانان با قالب مسمط آمده است. چرا که غزل در ابتدا به اشعار موزون و مقفایی که همراه با موسیقی خوانده می‌شد و نیز به اشعاری در بیان حال عاشق و وصف معشوق اطلاق می‌شد. (صبور، ۱۳۷۰: ۱۰۵ و ۹۱) در زبان عربی نیز غزل به مضمون عاشقانه ی شعراطلاق می‌شود. (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۰) گنجاندن قالب‌های دیگر جز غزل هم در مثنوی رواج داشته است. پس از امیر خسرو، سلمان ساوجی در مثنوی جمشید و خورشید خود علاوه بر غزل، قطعه (قصیده) و دوبیتی در غیر وزن اصلی نیز وارد مثنوی می‌کند. از میان دهنامه ها، در دهنامه رکن صاین و عارفی نیز مقطعاتی درج شده بوده است. در جمال و جلال نزل آباد نیز قصیده و مسمط و ... هم

می‌آید. عماد فقیه ابتکار دیگری دارد و آن گنجاندن غزل در قصیده است. مثلاً نامه سوم در قالب قصیده است که اگر چه با غزل ساختار یکسانی دارد اما شاعر ۲۵ بیت آخر را با عنوان غزل جدا می‌کند و منظور وی از غزل، محتوای تغزلی است. غزل‌هایی که عماد در مثنوی‌ها گنجانده، گاه حالت ساقی نامه به خود گرفته است. این غزل‌ها که در تأیید و ادامه‌ی محتوای قبل است، معمولاً به همان وزن اصلی منظومه است و تعداد آن‌ها ۱۰ تا است به استثنای دهنامه عماد فقیه با ۵ غزل، دهنامه خوارزمی با ۶ غزل و دهنامه ابن نضوح با ۸ غزل. غزل‌ها معمولاً پس از نامه‌ها می‌آید اما در دهنامه شاه اسماعیل، نظم خاصی ندارد. گاه میانه داستان است، گاه آخر و گاه یک نامه دو غزل دارد.

۵- شخصیت‌ها: معمولاً بجز عاشق و معشوق، شخص دیگری در دهنامه‌ها مؤثر نیست بجز دهنامه عماد فقیه که مخاطبان مختلف دارد و نیز دهنامه سعد و همایون که دو شخصیت «فرخ» و «خواهر همایون» در آن حضور دارند. همچنین در ویس و رامین، محب و محبوب اختیار و بهرام و گل اندام که ساختار داستانی آن‌ها کامل است و شخصیت‌های بیشتر و به تناسب آن، تحرک و پویایی بیشتری دارند. در دهنامه‌ها معمولاً واسطه و پیکی نیز برای رد و بدل شدن نامه‌ها حضور دارد که یا از عناصر طبیعت است مثل باد صبا در دهنامه ابن عماد و اوحدی و هدهد در محب و محبوب اختیار، یا از مصنوعات بشری است که به نحوی به معشوق منتسبند مثل شانه و آینه در دهنامه ابن نضوح؛ یا به ندرت انسان است مثل قاصد سعد و همایون که هویتش نامعلوم است یا پیک فراق نامه که فرستاده‌ی شاه است. گاه پیک‌ها متعددند چنانکه در دهنامه ابن نضوح، نسیم صبحگاه و شانه و آینه حضور دارند و در دهنامه شاه اسماعیل، باد و آه‌واشک با ویژگی‌های انسانی در رفت و آمدند و گاه معشوق آن‌ها را نکوهش می‌کند و عاشق در مقام دلجویی از آن‌ها بر می‌آید. در دهنامه حریری هر نامه پیکی دارد: باد، آب، پروانه، شمع، بلبل، گل، آینه، شانه، ماه و آفتاب که شاعر راه و رسم رساندن نامه را به آن‌ها متذکر می‌شود.

۶- نام دهنامه‌ها: بعضی، محبت نامه‌ها را معادل دهنامه‌ها می‌دانند. (برهان آزاد، ۱۳۵۵: ۱۴۸-۱۴۱) اما الزاماً همه‌ی محبت نامه‌ها، دهنامه نیستند و در این زمینه اشتراکات اسمی زیادی وجود دارد مثل محبت نامه حقیقی حروفی یا شاه داعی شیرازی یا حکیم شفاهی. عنوان عشقنامه نیز الزاماً مربوط به دهنامه‌ها نیست. به عبارت دیگر از نظر منطقی، در اشتراک نام‌های دهنامه و محبت نامه و عشق نامه رابطه‌ی عموم و خصوص من وجه وجود دارد. دهنامه‌ها عمدتاً با زبانی ساده و

روان سروده شده و تعداد کمی از آن‌ها به زیورهای بلاغی خاص آراسته شده است مثل دهنامه برسه و زاهدی که هر بیتشان، صنعت تجنیس و ذوقافیتین داشته است یا محب و محبوب کاتبی که هر بیت آن ذو بحرین و ذوقافیتین است. دهنامه سرایی سیر یکسانی داشته و ابتکارات اندکی در سیر آن در چند قرن ذکر شده صورت گرفته است. عموماً «باید این نکته را در مثنوی‌ها و داستان‌های منظوم فارسی در نظر داشت که برخی از مطالب در آن‌ها به صورت دایره گردانی دور می‌زند.» (صفا، ۱۳۵۲: ۱/۳، ۳۳۰) برای روشن تر شدن ساختار دهنامه‌ها، نامه ی پنجم از منطق العشاق اوحدی نقل می‌شود:

همانا دیگری داری نگارا	که دور از خویش می‌داری تو ما را...
تو را همچون کمر، پر سیم و زر دل	مرا چون کوه دایم سنگ بر دل...
نبودت بیش از این دلدار دیگر	چو دیدی بهتر از من یار دیگر

غزل

دل از ما برگرفتی یاد می‌دار	جفا از سر گرفتی یاد می‌دار
به دست من ندادی زلف و با من	به مویی در گرفتی یاد می‌دار
چو سرگردان بدیدی اوحدی را	زبانش برگرفتی یاد می‌دار

مثنوی

تو از من چون به زودی سیر گشتی	مرا روباه دیدی شیر گشتی
-------------------------------	-------------------------

شنیدن معشوق سخن عاشق را

بدان آتش رخ آوردند چون دود	حقیقت نکته های آتش اندود
به خشم از سر گرفت آن تندخویی	چنین باشد جواب تندگویی...

خلاصه سخن

چرا بر زورمندی تند گردی چو سنگ	که گر تندی نماید کند گردیاگر
از تاب هر سیلی چه رنجی؟	مجنونی از لیلی چه رنجی؟

حکایت

کسی فرهاد را گفتا کزین سنگ	رها کن دست گفتش با دل تنگ
ز سنگ بی ستون چون می‌توان تافت	که شیرین را در این تلخی توان یافت

تمامی سخن

سمنبر تند گشت از گفتن او بجوشید از غضب خون در تن او
نوشت این نامه دلسوز را باز جوابی پر عتاب و عشوه و ناز...
(اوحدی، ۱۳۴۰: ۴۲۵-۴۲۲)

معرفی ده نامه‌ها به ترتیب تاریخی

- ۱- ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (وفات بعد از ۴۴۶): این ده نامه سرآغاز دهنامه سرایی در شعر فارسی است و ساختار معینی ندارد زیرا فخرالدین خود مبتکر این گونه است.
- ۲- سی نامه سید حسن عزیزی حسینی (قرن ۶): «از سراینندگان قرن ۶ که یک مثنوی سی نامه سروده است» (نفیسی، ۱۳۶۳: ۷۲۵/۲) این نخستین سی نامه شناخته شده است.
- ۳- صحبت نامه همام تبریزی (۷۱۴-۶۳۶): شاعر این منظومه را در ۳۸۳ بیت در بحر هزج سروده و در آن ۴ غزل به وزن منظومه درج کرده است. (همام تبریزی، ۱۳۷۰: پنجاه و شش)
- ۴- سی نامه یا عشق نامه امیر حسینی هروی (۷۱۴-۶۴۱/۶۴۶): در ۱۳۰۸ بیت در بحر هزج در بیان مراحل سلوک عرفانی در ۳۰ نامه از زبان عاشق. هویت معشوق در این منظومه مشخص نیست. تنها گفتگویی عاشقانه و خیالی و حسب حال شاعر است و گویا شاعر به دنبال یک ساختار منسجم داستانی یا حتی داستان واره نبوده است.
- ۵- روح العاشقین و منطق العشاق خسرو دهلوی (۷۲۵-۶۵۱): اته از دو مجموعه به نام روح العاشقین و منطق العشاق از امیر خسرو مرکب از ۱۰ نامه عشقی شاعرانه مخلوط با غزل یاد می‌کند که تنها یک نسخه ی خطی آن در کتابخانه بودلین وجود دارد. (اته، ۱۳۵۱: ۷۹) با توجه به این که امیر خسرو از اولین کسانی است که غزل را در مثنوی وارد کرده و با فرض صحت انتساب نسخه موجود در بودلین، احتمال طبع آزمایی وی در این نوع ادبی بیشتر می‌شود.
- ۶- منطق العشاق یا دهنامه اوحدی (۷۳۸-۶۷۳): در ۵۰۰ بیت در بحر هزج به سال ۷۰۶ که دهنامه های بعدی چون عشرت نامه عیشی و دهنامه رکن صاین از طرح آن اثر گرفته‌اند. این منظومه با توجه به برخی ابیات آن، محبت نامه و دهنامه نیز نامیده شده است.
- ۷- دهنامه یا تحفه العشاق رکن صاین (م. ۷۶۴): در بحر هزج به سال ۷۵۱ به تقلید از دهنامه اوحدی. (گلچین معانی، ۱۳۳۶: ۱۸) این منظومه «حاصل تألمات روحی شاعر است از جدایی از

شاهزاده ای به نام بهاءالدین که شاعر شیفته او شده بود و به توصیه ی دوستی شرح محبت خود را به او در این منظومه می آورد.» (خان محمدی، ۱۳۷۸: ۱۷)

۸- **عشاق نامه عبید زاکانی** (م. ۷۷۲/۷۷۱): از دهنامه های نوع اول در بحر هزج به سال ۷۵۱. از لحن سخن عبید برمی آید که این داستان، وصف حال خود اوست و وی از عشقی دنیوی سخن می گوید. آوردن وصف طبیعت در مثنوی به مقتضای کلام همراه با غزلها، طراوت خاصی به منظومه داده است. حضور قاصد در این منظومه، ابتکاری است.

۹- **دهنامه عماد فقیه** (۷۷۳-۶۹۰): این دهنامه از حیث قالب و محتوا دهنامه مصطلح نیست بلکه مجموعه نامه های منظومی است در قالبها و بحور مختلف که شاعر در زمانهای مختلف برای بزرگان و احبابی زمان خود سروده و چون در نامه نگاری سبک واحدی داشته، آنها را تحت عنوان یک دهنامه جمع کرده تا هم به نامه های پراکنده ی خود سامانی دهد و آنها را در قالب گنجی از پنج گنج خود حفظ کند و هم بنا به سنت ادبی زمانه و با نوعی سنت شکنی، اثری به نام دهنامه حاوی ابتکاراتش به یادگار بگذارد. دهنامه عماد معمولاً با محبت نامه وی در عرفان مشتبه شده است.

۱۰- **فراق نامه سلمان ساوجی** (۷۷۸-۷۰۹): در بحر مرقاب، حدود سال ۷۷۰ در عشق سلطان اوئیس و بیرام شاه، پسر خواجه مرجان. این منظومه جزء دهنامه های نوع اول است و لذا در متن منظومه بیشتر از ۴ نامه مدیل به حکایت نیامده است اما سلمان اثر خود را دهنامه دانسته است. (سلمان، ۱۳۸۲: ۵۴۱) مینوی (۱۳۳۴: ۱۹) نیز این اثر را جزء دهنامه ها دانسته است.

۱۱- **محبت نامه خوارزمی** (اواخر ۷ و اوایل ۸): نام اصلی سراینده معلوم نیست و خوارزمی نام مستعار یا تخلص او و «روانی»، نام مستعار دوم شاعر است. کتاب به سال ۷۵۴ در ۴۷۴ بیت به فارسی و ترکی سروده شده و از قدیمی ترین آثار شعری نوشته شده به لهجه قیزیل اردوست. (شعار، ۱۳۴۳: ۱۸۰-۱۷۷) از اثری به نام محبت نامه به زبان ترکی اویغوری از خوارزمی (شماره کتاب شناسی ملی ۹۲۰۵-۷۶ م) نیز یاد شده که همین محبت نامه مذکور است. (opac.nlai.ir)

۱۲- **روح العاشقین شاه شجاع** (۷۸۶-۷۵۹): شاه شجاع پس از درگیری با برادرش محمود بر سر پادشاهی فارس، روح العاشقین را در سال ۷۶۸ برای دلجویی از برادر و رفع اشتغال خاطر می سراید. (باقری، ۱۳۵۶: ۵۳۶-۴۸۷ و ۱۳۸۰: ۸۹-۷۸)

- ۱۳- سعد و همایون عبدالرحیم سپاهانی شیرازی (قرن ۸): از گوینده ای عامی در شیراز به نام عبدالرحیم اصفهانی در سال ۷۷۹. منظومه، طرح داستانی عینی و منسجم تری از دیگر دهنامه ها دارد و برای شناخت محیط شیراز و روحیه مردم عصر حافظ و شناخت برخی نقاط جغرافیایی سودمند است. (نحوی، ۱۳۸۱: ۱۵۷-۱۵۰)
- ۱۴- محبت نامه یا دهنامه ابن نصح فارسی (شیرازی) (م. ۷۹۳): در بحر هزج در سال ۷۸۸. برخی میان صحبت نامه و دهنامه تفاوت قائل شده‌اند (برهان آزاد، ۱۳۵۵: ۱۴۴ و نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۱۱/۱) اما بنابه توصیف رشید عیوضی از نسخه محبت نامه که شامل ۱۰ نامه عاشقانه است، به نظر می‌رسد این دو اثر یکی باشد (عیوضی، ۱۳۵۵: ۵۳۸).
- ۱۵- محب و محبوب اختیار (قرن ۸): در ۴۰۹۸ بیت در بحر متقارب مثنی محذوف یا مقصور به نام شاه شجاع. ابیات نامه‌ها حدود ۹۰۰ بیت است و با این که آخر نسخه افتادگی دارد، مفصل‌ترین و منسجم‌ترین دهنامه در بین دهنامه‌های موجود فارسی است و حوادث متعدد و طرح داستانی پیراسته‌ای دارد و سرشار از معانی تعلیمی و حکمی و معانی نمادین است. (اختیار، ۱۳۹۰: ۱۹-۷)
- ۱۶- محبت نامه یا انیس العارفين منوچهر بدیع تبریزی (قرن ۸): وی در آغاز کتاب الاحیاء فی حل المعامی گوید محبت نامه ای به نام انیس العارفين به نظم درآورده بود (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۹۴/۱ و صفا، ۱۳۵۲: ۱۱۷/۴) که نام آن را به اشتباه حجت نامه نیز ضبط کرده‌اند. (مشکور، ۱۳۵۲: ۷۷۶) این اثر ضمن دهنامه‌ها و محبت نامه‌ها معرفی شده است. (برهان آزاد، ۱۳۵۵: ۱۴۶)
- ۱۷- دهنامه یا روضه‌المحبین ابن عماد شیرازی (خراسانی) (م. ۸۰۰ یا ۸۳۸): در بحر هزج به سال ۷۹۴. این دهنامه از اواخر قرن ۸ در میان سخن‌شناسان شهرت داشته است. (صفا، ۱۳۵۲: ۲/۳، ۱۱۲۹) سعید نفیسی روضه‌المحبین و دهنامه را دو اثر مجزادانسته در حالی که به نظر می‌رسد این دو اثر یکی باشد. (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۱۷/۱ و نیز: خان محمدی، ۱۳۷۸: ۲۰)
- ۱۸- محبوب القلوب یا دهنامه حریری (قرن ۹): در بحر هزج در سال ۸۰۰ از شاعری حریری نام اهل تبریز که گویا از شاگردان عصار تبریزی بوده است. (عیوضی، ۱۳۵۵: ۵۶۰-۵۴۴)
- ۱۹- محبت نامه میر مخدوم حسینی نیشابوری (م. ۸۳۰): رضاقلی خان هدایت می‌نویسد: «سید میر مختوم را متهم نمودند به امیر غیاث‌الدین علی ترخان عشقبازی کرده و رساله محبت نامه برای وی در قلم آورده. روغن گذاخته بر سرش ریختند و بعد از آزار بسیار از نیشابور اخراج شد.»

(هدایت، ۱۳۳۶: ۲۰۶/۱) این اثر را ضمن دهنامه‌ها و محبت‌نامه‌ها معرفی کرده‌اند. (برهان آزاد، ۱۳۵۵: ۱۴۶؛ نفیسی، ۱۳۶۳: ۷۹۲/۲ و ۳۲۵/۱ و صفا، ۱۳۵۲: ۲۵۵/۴)

۲۰- سی نامه یا محب و محبوب کاتبی ترشیزی (م. ۸۳۹ یا ۸۳۸): محب و محبوب یا سی نامه (در برخی نسخه‌ها: دلگشا) جوابگویی‌های کاتبی است بر آثار گذشتگان (برهان آزاد، ۱۳۵۵: ۱۴۷) در شرح عشق محب پسر الیاس بحرینی و محبوب دختر پادشاه شهر سبز. (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۲۷۱) سعید نفیسی به جز ده باب و سی نامه، از اثری به نام دهنامه یاد می‌کند که احتمالاً همان ده باب تجنیسات باشد که متضمن حکایات اخلاقی است و ارتباطی با دهنامه‌ها ندارد. (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۹۸/۱)

۲۱- بهرام و گل اندام امین الدین صافی (قرن ۹): در بحر هزج. عموماً این منظومه را به کاتبی ترشیزی نسبت داده‌اند (نفیسی، ۱۳۶۳: ۲۹۷/۱) اما در واقع، از شاعری به نام امین الدین محمد متخلص به صافی از مردم سبزواری است. (خزانه دار لو، ۱۳۷۵: ۱۷۵) ممکن است وی همان امین نزل آبادی، سراینده ی مثنوی جمال و جلال باشد که با کاتبی معارضه شعری داشته و اهل سبزواری بوده است. این داستان بن مایه‌های داستان‌های عامیانه و روایت‌های دیگری هم دارد. (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۲۰-۱۸)

۲۲- دهنامه محمود عارفی هروی (۸۵۳-۷۹۲): به نام خواجه پیر احمد ابن اسحاق (م ۸۷۳) وزیر شاهرخ که در آن غزل‌های دلپذیر و مقطعات ملایم درج شده بوده است. (دولت‌شاه، ۱۳۶۶: ۳۳۱)

۲۳- دهنامه فتحی سبک نیشابوری (م. ۸۵۲): دولت‌شاه می‌گوید فتحی «چند دهنامه» به نظم درآورده است (همان، ۳۱۴) اما از آن‌ها اثری به جا نمانده است.

۲۴- روضه العاشقین یا دهنامه عزیزالله بخاری (زاهدی) (قرن ۹): در بحر خفیف به نام بایسنقر در سال ۸۲۰ (صفا، ۱۳۵۲: ۴۶۱/۴-۴۶۰) مرحوم آتش نام سراینده ی این منظومه را عزیزبخاری و ریو، عزیزالله زاهدی آورده‌اند. وی «ظاهراً مولانا زاهدی یاد شده در مجالس النفایس است که هم روزگار بابا سودائی بوده و جواب تجنیسات کاتبی گفته.» (انوشه، ۱۳۷۵: ۵۹۹/۲ و عیوضی، ۱۳۵۵: ۵۴۳-۵۴۲)

۲۵- دهنامه خواجه محمود برسه نیشابوری (م. ۸۷۲): به نام علاءالدوله میرزای تیموری (م. ۸۶۳) در بحر خفیف. (نفیسی، ۱۳۶۳: ۳۰۶-۳۰۷/۱) دولت‌شاه مثنوی او را آراسته به تجنیس و رعایت قافیه مکرر «و الحق نیکو» معرفی می‌کند. (دولت‌شاه، ۱۳۶۶: ۳۵۳)

- ۲۶- **دهنامه (عشرت نامه) عیسی شیرازی** (زنده در ۸۲۸): «در بحر هزج به نام سلطان خلیل (۸۱۲-۸۰۷) پس میرانشاه بن تیمور به تقلید از دهنامه او حدی.» (مدبری، ۱۳۶۴: ۴۶۶/۲ و صفا، ۱۳۵۲: ۴۶۱/۴)
- ۲۷- **دهنامه شاه اسماعیل (۹۳۰-۸۶۶)**: در ۱۴۰۰ بیت در بحر هزج به زبان ترکی و آذربایجانی و گاه فارسی. (حسینی، ۱۳۷۸: مقدمه)
- ۲۸- **دهنامه تذروی ابهری (م. ۹۷۵)**: وی دهنامه خود را در بحر هزج در برابر دهنامه ابن عماد سروده و به نام اعظم خان کوکلتاش در آورده است. (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۲۱۰/۱)
- ۲۹- **نامه‌ها یا مکاتبات منظوم شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه قاجار (۱۲۹۸-۱۲۳۸)**: حاوی ۷ نامه که هر یک با تجدید خطاب به معشوق آغاز می‌شود (حائری، ۱۳۷۴: ۴۱/۲۲ و نیز نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی (۹۵۹/۳) ادبیات (۹۵۶۰) (گلچین معانی، ۱۳۴۶: ج ۷ ب ۷۹۴/۲ و نیز: منزوی، ۱۳۴۸: ۳۲۶۹/۴-۳۲۶۸)
- ۳۰- **عشق نامه نظامی**: «منظومه‌ای شامل ده نامه عاشقانه که عاشق به معشوق نوشته است. تخلص شاعر نظامی است ولی نظامی معروف نیست. صحافی شده با پندنامه، ۱۰۴۲۰۱۹، شماره بازیابی: ۱۵۴۰۴-۵» (opac.nlai.ir)
- محبت نامه خجندی را که در قرن ۱۵ میلادی در آسیای مرکزی ساخته شده است، تقلیدی از محبت نامه خوارزمی می‌دانند (شعار، ۱۳۴۳: ۱۷۷) لذا ممکن است این اثر نیز دهنامه‌ای به زبان ترکی یا ترکی و فارسی باشد. محبت نامه جعفر حسابی (تألیف ۹۰۰) که عشقنامه‌ای طبیعی دانسته شده و در آن از محبت نامه خوارزمی و لطافت نامه خجندی (شاید منظور همان محبت نامه است) یاد شده است نیز ممکن است دهنامه باشد. (دانش پژوه و حاکمی، بی تا: ۴۵۵/۱۱) از دهنامه منسوب به لامعی برسوی (م. ۹۳۹) از شاعران سرزمین عثمانی نیز باید یاد کرد. (انوشه، ۱۳۷۵: ۵۹۹ و عباسیه کهن، ۱۳۷۲: ۷۶) با توجه به این که دیگر آثار لامعی ترکی است، در مورد فارسی یا ترکی بودن دهنامه‌ی وی اطلاع دقیقی در دست نیست. محمدقلی سالک اردوبادی (زنده در ۱۲۸۰ ق) شاعر آذربایجانی نیز، دهنامه‌ای به پیروی از لیلی و مجنون نظامی و به سبک دهنامه شاه اسماعیل سروده است که از زبان آن اطلاع در دست نیست. (انوشه، ۱۳۷۵: ۲۹۵/۵) «عاشق و معشوق» یا «مراسلات عاشق و معشوق» نویسنده‌ای به نام ستمگر تألیف در ۱۲۳۳ هـ ق نیز به نثر فارسی آمیخته با نظم، به سبک دهنامه‌ها حاوی ۳۱ نامه از عاشق و ۳۱ پاسخ از معشوق است. (انوار، ۱۳۴۳: ۴۵۱/۵) بعضی

از ده نامه‌ی جامی یاد کرده‌اند که «از مقوله‌ی دیگری است» (خان محمدی، ۱۳۷۸: ۱۷) اما در میان آثار منسوب به جامی اثری به نام ده نامه وجود ندارد. ۱۰ نامه از ۳۳ نامه منشآت جامی عیناً در خمسه‌المتحیرین نوایی آمده است. شاید منظور از این ده نامه‌ی متفاوت، همین ده نامه باشد. بعضی هدایت‌نامه‌نصربخاری‌رانیز جزء دهنامه‌ها پنداشته‌اند. (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۱۰) اما این منظومه تقلیدی است از بوستان در مضامین عاشقانه و عرفانی که تنها شباهت آن با ده نامه‌ها، در حکایات آن است. ده فصل یا ده نامه رامی (م. ۷۹۵) را نیز جزء دهنامه‌ها دانسته‌اند: «احتمال دارد دهنامه رامی از نظر همانندی با دهنامه سلمان سروده شده باشد» (همان) اما این اثر دهنامه مصطلح نیست و حاوی پنج مناظره میان وسائل منتسب به معشوق مثل شانه و آینه است. احتمالاً علت نامیده شدن آن به دهنامه این است که با در نظر گرفتن پاسخ‌های هر دو طرف، مناظره جمعاً ده قسمت می‌شود.

نتیجه

دهنامه‌ها به عنوان یک نوع ادبی و زیرمجموعه منظومه‌های عاشقانه، از آثار ادبی متوسط در ادبیات فارسی است که شاعر در آن‌ها، در قالب مثنوی داستانی، رموز و حالات عشق را در گفتگوی عاشق و معشوق و طی تبادل ده یا سی نامه با ساختاری ویژه (نامه + غزل + مثنوی یا فرد + حکایت + تمامی سخن + خلاصه سخن) به رشته‌ی شعری کشد. از لحاظ ساختاری دهنامه‌ها را می‌توان به دو دسته دهنامه‌های قبل از منطق‌العشاق اوحدی و دهنامه‌های پس از آن و یا دهنامه‌های یک‌سویه و دوسویه تقسیم کرد. دهنامه سرایی از ویس و رامین شروع شده و دوران اوج و رونق سرودن آن، قرن ۸ بوده است. تاکنون ۳۰ دهنامه و سی نامه شناخته شده است. دهنامه‌ها خاص ادبیات فارسی است و اگرچه نامه‌های عاشقانه در ادبیات اکثر کشورها نمونه و نظیر دارد (مثل زلیخا نامه گوته حاوی نامه‌های شورانگیز گوته به ماریان ویلمریا نامه‌های عاشقانه خلیل جبران به ماری هسکل) اما با این ساختار، خاص ادبیات فارسی است و مطمئناً اگر تمام نسخ فارسی و ترکی و منظومه‌های عاشقانه مورد بررسی بیشتر قرار گیرد، نمونه‌های دیگری از این نوع ادبی یافته خواهد شد.

منابع

- ۱- آذر بیگدلی، لطفعلی بیک، آتشکده ی آذر، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۲- آسانا، جاماسب، متون پهلوی، گزارش سعیدعربان، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
- ۳- آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران: چاپخانه دولتی ایران، ۱۳۳۷.
- ۴- اته، هرمان، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضازاده شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
- ۵- اختیار، محب و محبوب، تصحیح احمدرضا یلمه ها، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان، ۱۳۹۰.
- ۶- انوار، عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۳.
- ۷- انوشه، حسن، دانشنامه ی ادب فارسی، تهران: ناشر دانشنامه، ۱۳۷۵.
- ۸- اوحدی، رکن الدین، دیوان، تصحیح حمید سعادت، تهران: کاوه، ۱۳۴۰.
- ۹- باقری، مهری، دهنامه نویسی در ادبیات فارسی، دهنامه شاه شجاع، نامه انجمن، ۱/۳، ۷۸-۸۸، ۱۳۸۰.
- ۱۰- _____، روح العاشقین، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ۲۹، صص ۵۳۶-۴۸۷، ۱۳۵۶.
- ۱۱- برهان آزاد، ابراهیم، محبت نامه‌ها یا دهنامه ها، ارمغان، ۱۴۸، ۴۵-۱۴۱، ۱۳۵۵.
- ۱۲- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، ۱۳۷۸.
- ۱۳- حائری، عبدالحسین، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۴- حسینی هروی، مثنوی‌های عرفانی امیرحسینی هروی، تصحیح محمد ترابی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۵- خان محمدی، علی اکبر، دهنامه سرایی یک نوع ادبی ناشناخته در زبان فارسی، گلچرخ، ش ۲۱، صص ۲۰-۱۷، اردیبهشت و خرداد، ۱۳۷۸.
- ۱۶- خزانه دارلو، محمد علی، منظومه های فارسی، تهران: روزنه، ۱۳۷۵.
- ۱۷- دانش پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- ۱۸- _____ و اسماعیل حاکمی، نسخه های خطی، نشریه کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران: موسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بی تا.
- ۱۹- دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعرا، به همت محمدرمضانی، چاپ دوم، تهران: کلاله ی خاور، ۱۳۶۶.
- ۲۰- رامی، شرف‌الدین، انیس العشاق و چند اثر دیگر، به اهتمام محسن کیانی، تهران: روزنه، ۱۳۷۶.
- ۲۱- رستگار فسایی، منصور، انواع شعر فارسی، شیراز: نوید، ۱۳۷۲.

- ۲۲- شاه اسماعیل صفوی، کلیات دیوان، تصحیح رسول اسماعیل زاده، تهران: هدی، ۱۳۸۰.
- ۲۳- شریفی، محمد، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو و انتشارات معین، ۱۳۸۷.
- ۲۴- شعار، جعفر، محبت نامه خوارزمی، یغما، ش ۴، ۱۷:صص ۱۸۰-۱۷۷، تیر ۱۳۴۳.
- ۲۵- شمیسا، سیروس، سیر غزل در شعر فارسی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲۶- صافی، امین الدین، بهرام و گل اندام، تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران: چشمه، ۱۳۸۶.
- ۲۷- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: موسسه ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- ۲۸- عباسیه کهن، محمد، دهنامه سرایی در ادب پارسی و نگاهی به غزل- مثنوی، شعر، سال ۱، ش ۱، صص ۷۴-۷۸، ۱۳۷۲.
- ۲۹- عبید زاکانی، کلیات، تصحیح و تحقیق پرویز اتابکی، چاپ چهارم، تهران: زوار، ۱۳۸۴.
- ۳۰- عراقی، فخرالدین، مجموعه ی آثار، تصحیح نسرين محتشم، تهران: زوار، ۱۳۷۲.
- ۳۱- عماد فقیه کرمانی، پنج گنج، به‌اهتمام رکن الدین همایون فرخ، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۶.
- ۳۲- عیوضی، رشید، دهنامه گویی در ادب پارسی و دهنامه حریری، نشریه دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۲۷، ۵۶۰-صص ۵۲۵-۱۳۵۵.
- ۳۳- عیوقی، ورقه و گلشاه، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- ۳۴- فخرالزمانی، عبدالنبی، تذکره ی میخانه، به‌اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: اقبال، ۱۳۴۰.
- ۳۵- گرگانی، فخرالدین، ویس و رامین، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: اندیشه، ۱۳۳۷.
- ۳۶- گلچین معانی، احمد، رکن صابین، فرهنگ خراسان، ج ۱ ش ۶، ۱۸-۳، شهریور، ۱۳۳۶.
- ۳۷- _____، فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس، مشهد: اداره کتابخانه، ۱۳۴۶.
- ۳۸- _____، کاروان هند، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۹.
- ۳۹- مدبری، محمود، فرهنگ کتاب‌های فارسی، تهران: ویس، ۱۳۶۴.
- ۴۰- منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵.
- ۴۱- _____، فهرست نسخه های فارسی، تهران: موسسه فرهنگی منطقه ئی، ۱۳۴۸.
- ۴۲- مینوی، مجتبی، ویس و رامین، سخن، دوره ی ۶، سال ۱، ۱۳۳۴.
- ۴۳- نحوی، اکبر، منظومه ی سعد و همایون: گوشه‌هایی از فرهنگ مردم شیراز در قرن هشتم، فرهنگ فارس، ش ۱۶ و ۱۷، صص ۱۵۷-۱۴۹، بهار و تابستان، ۱۳۸۱.

- ۴۴- نفیسی، سعید، **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی**، تهران: فروغی، ۱۳۶۶.
- ۴۵- هدایت، رضا قلیخان، **مجمع الفصحا**، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶.
- ۴۶- همام تبریزی، دیوان، **تصحیح رشید عیوضی**، چاپ دوم، تهران: صدوق، ۱۳۷۰.
- ۴۷- سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، opac.nlai.ir:۱۳۸۸/۹/۱۵

Sources

- 1-Azar bigdeli. **Atashkade Azar**. Corrected by Mirhashem Mohaddes. Tehran: Amir Kabir Press, 1999.
- 2- Asana, Jamasb. **Motune Pahlavi**. Reported by Saeed Oryan. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran, 1992.
- 3- Agha Bozorg. **Azzari,e**. Tehran: Chapkhane Dowlati Iran, 1958.
- 4-Ethe, Hermann. **Tarikh-e-adbiyat-e Farsi**. Translated by Rezazadeh Shafagh. Tehran: Bongah Tarjome Va Nashr Ketab, 1972.
- 5-Ekhtiyar. **Moheb & Mahboob**. Corrected by Ahmad Reza Yalameha .Isfahan Islamic Azad University Dehaghan, 2011.
- 6-Anvar. Abdoulah. **Fehrest-e-nosakhe-khatti Ketab Khane-ye-melli Iran**: Ministry of Culture and Art, 1964.
- 7-Anousheh. Hasan. **Danesh name-ye-adab-e Farsi**. Tehran: Daneshnameh Press, 1996.
- 8-Owhadi. **divan**. Corrected by Hamid Saadat. Tehran: Kaveh Press, 1961.
- 9-Bagheri, Mehri. **Dahnameh nevisi dar adabiyat-e Farsi Dahnameh of Shah Shoja**. Nameye Anjoman. 3/1.pp.87-88, 2001.
- 10-----**Rouh-al-asheghin**. Journal of Tabriz Faculty of Literature. 29. pp. 536-487, 1977.
- 11-Borhan Azad ,Ebrahim. **Mohabbat name ha ya Dahnameh ha** .Armaghan.45.pp.148-141, 1976.
- 12-Tafazzolli, Ahmad. **Tarikh-e-adabiyat-e-pish az Eslam**. By Attempt of Jhaleh Amoozegar. Tehran: Sokhan Press, 1999.
- 13-Haeri, Abdolhosein. **Fehrest-e- ketabkhane-ye-Majles-e-shora-ye-Eslami**. Tehran: Library, Museum and Archives of Islamic Parliament, 1995.
- 14-Hosseini Heravi. **Mastaviha-ye-erfani Amir Hoseyni Heravari**. Corrected by Mohammad Torabi. Tehran: Tehran University Press,1992.
- 15-Khan Mohammadi, Ali Akbar. **Dah name sorai yek nowe adabi nashenakhte dar zaban-e- Farsi**. Golcharkh. No. 21. pp.20-17. April-June, 1999.
- 16-Khazane dar lou, Mohammad ali. **Manzumeha-ye- Farsi**. Tehran: Rouzaneh Press, 1996.

- 17-Danesh pajhooh, Mohammad taghi. **Fehrest-e-ketabkhane-ye-markazi-ye-daneshgah-e-Tehran**. Tehran: Tehran University Press, 1961.
- 18-_____ & Esmail Hakemi. **Noskheha-ye-khatti Nashriye-katabkhane va markaz-e-asnad-e-Daneshgh-e-Tehran**. Tehran: Tehran University Institute of Publishing and Printing, Undated.
- 19-Dolatshah Samarghandi. **Tazkere Shoara**. By Attempt of Mohammad Ramezani. 2st ed., Tehran: Kolale Khavar Press, 1987.
- 20-Rami, Sharafoddin. **Anis-al-Oshagh va chand asar-e digar**. By Attempt of Mohsen Kiyani. Tehran: Rouzaneh Press, 1997.
- 21-Rastegar Fasaee, Mansour. **Anvae shere Farsi**. Shiraz: Navid Press, 1993.
- 22-Shah Ismail Safavi. **Kolliyat-e Divan**. Corrected by Rasool Esmaeel zadeh. Tehran: Hoda Press, 2001.
- 23-Sharifi, Mohammad. **Farhang-e adabiyat-e Farsi**. Tehran: Farhang Nashr Now & Moeen Press, 2008.
- 24-Shoar, Jafar. **Mohabbat name ye Kharazmi**. Yaghma. No. 4. 17: pp.180-177. July, 1964.
- 25-Shamisa, Sirous. **Seyr-e-ghazal dar sher-e Farsi**. 4st ed., Tehran: 1994.
- 26-Safi, Aminoddin. **Bahram va Golandam**. Corrected by Hasan Zolfaghari & Parviz Arastou. Tehran: Cheshmeh Press, 2007.
- 27-Safa, Zabihollah. **Tarikh-e-adabiyat dar Iran**. Tehran: Tehran University Institute of Publishing and Printing, 1973.
- 28-Abbasiye kohan, محمد, Mohammad. **Dahnameh sorai dar adab-e-parsi va negahi be ghazal-masnavi**. Sher. Year 1. No. 1. pp.78-74, 1993.
- 29-Obeid Zakani. **Kolliyat**. Corrected by Parviz Atabaki. 4st ed., Tehran: Zavvar, 2005.
- 30-Eraghi, Fakhroddin. **Majmue-ye-asar**. Corrected by Nasrin Mohtasham. Tehran: Zavvar, 1993.
- 31-Emad Faghih Kermani. **Panj Ganj**. By Attempt of Roknoddin Homayoon Farrokh. Tehran: National University of Iran, 1977.
- 32-Eyvazi, Rashid. **Dahnameh go'ei dar adab persi va dahnameh hariri**. Journal of Faculty of literature and Human Sciences Tabriz University. No. 27. pp. 560-525, 1976.
- 33-Ayyoghi. **Varagheh va Golshah**. Corrected by Zabihollah Safa. Tehran: Tehran University Press, 1964.
- 34- Fakhrozzamani, Abdolnabi. **Tazkere Meykhane**. By Attempt of Ahmad Golchin Maani. Tehran: Eghbal Press, 1961.

- 35-Gorgani. Fakhroddin Asad. **Vis va Ramin**. Corrected by Mohammad Jafar Mahjoob. Tehran: Andisheh Press, 1958.
- 36-Golchin Maani, Ahmad. **Rokn-e- Saen**. Farhang-e- Khorasan. Vol 1. No. 6.pp. 18-3. September, 1957.
- 37-_____ **Fehrest-e-kotob-e-khati ktabkhaneh-e-Astan Ghods**. Mashhad: Library Bureau, 1967.
- 38-_____ **Caravane Hend**. Mashhad: Institute of Astan Ghods Press, 1990.
- 39-Modabberi, Mahmood. **Farhang-e-ketabha-ye-Farsi**. Tehran: Vis, 1985.
- 40-Monzavi, Ahmad. **Fehrest-e-moshtarak-e-noskhehay-e-khat-ye-Farsi Pakistan**. Islamabad: Persian Research Center of Iran & Pakistan, 1986.
- 41-_____ **Fehrest-e-noskhehay Farsi**. Tehran: Regional Cultural Institute, 1969.
- 42-Minovi, Mojtaba. **Vis va Ramin**. Sokhan. Sixth Term. First Year, 1955.
- 43-Nahvi, Ali Akbar. **Saad va Homayoon**, Corners of Culture of Shiraz People in the Eighth Century. Farhang-e- Fars. No. 16 and 17.pp. 157-149. Spring & Summer, 2002.
- 44-Nafisi, Seed. **Tarikh-e-Nazm va Nasr**. 2st ed., Tehran: Forooghi Press, 1987.
- 45-Hedayat, Reza gholi khan. **Majma al Fosaha**. By Attempt of Mazaher Mosaffa. Tehran: Amir Kabir Press, 1957.
- 46-Homam Tabrizi. **Divan**. Corrected by Rashid Eyvazi. 2st ed., Tehran: Sadoogh Press, 1991.
- 47-Website of Archives Organization and National Library of the Islamic Republic of Iran. ۲۰۰۹. opac.nlai.ir.